

حجت‌تمامی حزب‌الله در محکومیت خلع سلاح

حزب‌الله روزگذشته با انتشار بیانیه‌ای درباره اقدامات اخیر دولت در راستای خلع سلاح مقاومت اعلام کرد: دولت نخست‌وزیر نواف سلام با اتخاذ تصمیم خلع سلاح مقاومت به نفع دشمن اسرائیلی، گناه بزرگی مرتکب شد. نخست‌وزیر سلام اعلام کرد شورای وزیران

www.qudsonline.ir
پنجشنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ ۱۳ صفر ۱۴۴۷ ۱۷ آگوست ۲۰۲۵ ۳۰ سال سی و هشتم ۳۳ شماره ۱۰۷۱۲

همه‌نشانه‌ها از طرد مدنی رژیم صهیونی در جامعه جهانی می‌گویند

مشروعیت ازدست‌رفته؛ از خیابان‌های سیدنی تا گهواره‌های لندن



رادر میان‌نام‌های تازه‌ثبت‌شده‌داشته‌است.

در نقطه‌مقابل، در سال گذشته میلادی حتی‌یک‌نوزاد هم‌با نام «کی‌یر» (Kier)،نخست‌وزیر بریتانیا‌نام‌گذاری‌نشده‌است؛ چهره‌ای‌که‌از آغاز جنگ‌غزه،موضعی‌آشکارا همسوباتل‌آویو گرفته‌واکنون‌نه‌فقط در نظرسنجی‌ها، بلکه‌در انتخابات‌های خانوادگی‌نیز با نوعی‌طرد فرهنگی‌مواجه‌شده‌است. در برخی‌مناطق، خانواده‌های مسلمان و حتی‌فعالان غیرمسلمان، نام «یحیی» را به‌یاد یحیی‌السنوار، رهبر شاخه نظامی‌وسیاسی حماس بر فرزندان خود نهاده‌اند.

در یکی‌از خبرسازترین‌موارد، نوزادی در بیمارستان دانشگاهی لایپزیگ آلمان با نام کامل «یحیی‌سنوار» نام‌گذاری‌شد؛ رویدادی‌که‌بازتابی‌گسترده‌در رسانه‌های غربی‌یافت. این تصمیم‌نه‌صرفاًانتخابی‌فردی، که‌در فضای‌رسانه‌ای‌غرب، نوعی‌کنش سیاسی و فرهنگی تلقی‌شد. تحلیل‌گران، این نام‌گذاری‌را نمادی‌از نفوذ آرمان فلسطین به‌حوزه‌خصوصی وخاندادگی دانستند؛ حرکتی‌معنادار در دل فضای‌امنیتی و فشارهای‌ساختاری‌اروپا‌از سوی‌خانواده‌ای‌که‌به‌روشنی‌قصد گرآمدیادشت‌نماد مقاومت فلسطینی‌را داشته‌اند.

تصمیم‌گرفته‌پنجشنبه‌آینده‌بحث در مورد‌سند آمریکایی‌را ادامه دهد و ارتش لبنان را موظف به‌تدوین‌یک‌طرح‌اجرایی‌برای‌مهار سلاح‌ها پیش‌از پایان‌امسال‌کند. این تصمیم‌کاملاً در خدمت منافع‌اسرائیل‌است و لبنان را بدون‌هیچ‌گونه‌بازدارندگی‌در معرض‌دشمن‌اسرائیلی‌قرار می‌دهد. خروج‌وزاری‌حزب‌الله و جنبش‌امل‌از

جلسه، بیانگر رد این تصمیم‌از سوی‌مقاومت‌است، زیرا مقاومت نماینده‌بخش‌های‌قابل‌توجهی‌از جامعه‌لبنان‌از همه‌مناطق، فرقه‌ها و احزاب‌است. همچنین‌بیانگر رد گسترده‌مردمی‌تصمیم‌مبنی‌بر قرار دادن‌لبنان‌در سرپرستی‌آمریکا و اشغال‌اسرائیل‌است. این تصمیم، حاکمیت‌لبنان‌را تضعیف‌می‌کند و به‌اسرائیل

فاطمی‌نژاد | در شرایطی‌که‌تهدیدات فوری‌نظامی‌و امنیتی‌علیه‌رژیم صهیونیستی‌در مرزهای‌جنوبی‌و شمالی‌آن کاهش‌یافته، جبهه‌ای‌تازه‌و شاید‌عمیق‌تر در افکار عمومی‌جهان‌علیه‌این‌رژیم‌در حال‌شکل‌گیری‌است؛ جبهه‌ای‌که‌نه‌با موشک و پهپاد بلکه‌با خیزش‌های‌مدنی، اعتراضات فرهنگی، نشانه‌های‌زبانی‌وطرد اجتماعی‌گسترش‌یافته‌و مشروعیت‌اسرائیل‌را در سطحی‌بنیادین‌زیرسؤال‌برده‌است.از تحصن‌های‌دانشگاهی‌در قلب‌اروپا گرفته‌تا راهپیمایی‌های‌سراسری‌در نیم‌کره‌جنوبی‌و از حرکت‌کشتی‌های‌آزادی‌به‌سوی‌غزه‌تا حتی‌انتخاب‌نام‌نوزادان، نشانه‌های‌گویای‌انزجار عمومی‌جهانی‌نسبت‌به رفتارهای‌رژیم صهیونیستی‌نمایان‌شده‌است. شاید‌بی‌دلیل‌نباشد‌که‌در پرتوهمین‌تحولات، رهبر اپوزیسیون اسرائیل به‌صراحت‌اعلام‌کرده: «اسرائیل‌بی‌آبرویی‌حیثیت‌شده»، اعترافی‌که‌پژواکی‌داخلی‌از همان‌چیزی‌است‌که‌در عرصه‌جهانی‌به‌وضوح‌در حال‌وقوع‌است.

نخستین‌شنبه‌آگوست، شهر سیدنی‌استرالیا‌شاهد یکی‌از بزرگ‌ترین‌راهپیمایی‌های‌ضد صهیونیستی‌در سال‌های‌اخیر بود. این‌راهپیمایی‌از مناطق‌مرکزی‌شهر آغاز شد و تا میدان‌تالار شهر پاراماتا ادامه‌یافت. حضور گسترده‌شهروندان، به‌ویژه‌نسل‌جوان و خانواده‌هایی‌با کودکان‌خردسال، نشان‌از تغییر عمیق‌در الگوی جمعیتی‌و نسلی‌همبستگی‌با مسئله‌فلسطین‌داشت. معترضان‌با عبور از کنار پل‌معروف‌سیدنی، بی‌پروایی‌خودرا در به‌کارگیری‌شعاری‌آشکارا علیه‌اسرائیل، با جمله «رژیم‌آپارتاید» و «ناقص‌سیستماتیک‌حقوق‌بشر». به‌نمایش‌گذاشتند؛ امری‌که‌گویای‌تحول‌ملوس‌در لحن‌و ابعاد اجتماعی‌اعتراضات‌است.

■ **کی‌یر - - یحیی: ۵۸۳**

در سطحی‌دیگر، اما هم‌راستا با این فضا، روند نام‌گذاری‌نوزادان در غرب‌نیز به‌نشانه‌ای‌از دگرگونی‌افکار عمومی‌بدل‌شده‌است. بنا بر داده‌های‌جدید اداره‌ثبت‌احوال‌بریتانیا، نام «یحیی» با جهشی‌کم‌سابقه(۵۸۳ کودک) بالاترین‌نرخ‌رشد

گزارش کوتاه

فاطمه کامیاب | ترامپ در ۱۴ جولای هشدار داده بود اگر مسکو واشنگتن در مدت ۵۰ روز به توافقی برای حل بحران اوکراین نرسند، آمریکا تعرفه‌های نزدیک به ۱۰۰ درصدی بر روسیه و شرکای تجاری آن تحمیل خواهد کرد. البته زمانی که ترامپ تقریباً از روسیه برای مذاکرات صلح ناامید شد هفته گذشته گفت ضرب‌الاجل ۵۰ روزه را به ۱۰ روز کاهش داد. درحالی‌که این ضرب‌الاجل روز جمعه به پایان می‌رسد استیو ویتکاف، نماینده ترامپ روز چهارشنبه در سفر به مسکو با پوتین دیدار کرد. احتمالاً این یک فرصت دیر هنگام برای توافق برای آتش بس یا بررسی پیشنهاد جایگزین مبنی

رصد

۳ دهه پس از مطرح شدن لیبرال دموکراسی به‌عنوان آخرین نجات‌بخش، هنوز بحران‌های جهانی ادامه دارد پایان تاریخ یا بازگشت به واقعیت ژئوپلیتیک؟

سید احمد موسوی | سه دهه پس از آنکه فرانسیس فوکویاما از پایان تاریخ و پیروزی نهایی دموکراسی لیبرال سخن گفت، امروز جهان با بحران‌های فزاینده، بازگشت قدرت‌های بزرگ، فروپاشی نهادهای فراملی و افول نظم لیبرال مواجه شده است. اکنون، نظم جهانی نه در مسیر همگرایی، بلکه در حال بازتعریف خود در قالب رقابت‌های ژئوپلیتیکی، چندقطبی و ناسازگار است.

■ **فروپاشی یک فرضیه؛ نگاهی دوباره به «پایان تاریخ»**

کتاب «پایان تاریخ و انسان واپسین» نوشته «فرانسیس فوکویاما» در سال ۱۹۹۲ و در فضای خوش‌بینی ناشی از فروپاشی شوروی منتشر شد. فوکویاما استدلال می‌کرد لیبرال دموکراسی به‌عنوان آخرین شکل حکومت بشری، به نقطه‌پایانی سیر ایدئولوژیک تاریخ تبدیل شده‌است. این نگاه، نظم تک‌قطبی به رهبری آمریکا، گسترش جهانی بازار آزاد و دموکراسی را طبیعی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانست.

اما تحولات دهه‌های اخیر از جمله رشد قدرت چین، بازگشت روسیه به سیاست‌های تهاجمی، صعود پوپولیسم در غرب و بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای لیبرال، همگی این ادعا را زیرسؤال برده‌اند. امروز جهان نشتن‌ها از «پایان تاریخ» عبور کرده، بلکه دوباره وارد مسیر پرفشار ژئوپلیتیک شده‌است.

■ **دموکراسی‌های ناکام، اقتدارگرایان کارآمد؟**

یکی از ستون‌های کلیدی فرضیه فوکویاما، پیوند ناگسستنی دموکراسی و موفقیت بود. اما تجربه‌چنددهه‌گذشته‌نشان‌داد برخی حکومت‌های اقتدارگرا مانند چین، در حوزه‌هایی مانند توسعه اقتصادی، کاهش فقر، کنترل بحران‌ها و انسجام اجتماعی، عملکردی موفق‌تر از دموکراسی‌های غربی داشته‌اند. مثلاً در جریان همه‌گیری کووید-۱۹، بسیاری از کشورهای لیبرال دچار سردرگمی، نارضایتی عمومی و بحران اعتماد شدند. در حالی‌که حکومت‌هایی با ساختار متمرکز، واکنش‌هایی سریع‌تر و مؤثرتر ارائه دادند.

جلسه، بیانگر رد این تصمیم‌از سوی‌مقاومت‌است، زیرا مقاومت نماینده‌بخش‌های‌قابل‌توجهی‌از جامعه‌لبنان‌از همه‌مناطق، فرقه‌ها و احزاب‌است. همچنین‌بیانگر رد گسترده‌مردمی‌تصمیم‌مبنی‌بر قرار دادن‌لبنان‌در سرپرستی‌آمریکا و اشغال‌اسرائیل‌است. این تصمیم، حاکمیت‌لبنان‌را تضعیف‌می‌کند و به‌اسرائیل

دامنه این نشانه‌ها حتی به دیپلمات‌هایی که سابقاً در اراضی اشغالی فعالیت داشته‌اند هم می‌رسد. به‌عنوان مثال سوند کوهن فون بورگسدورف، سفیر سابق اتحادیه اروپا در سرزمین‌های فلسطینی، به یورونیوز گفته کاربرد دوگانه قوانین بین‌المللی در قبال اقدامات اسرائیل در غزه و کرانه باختری، اعتبار اروپا نزد کشورهای جنوب را خدشه‌دار کرده است؛ همان کشورهایی که اتحادیه اروپا مشتاق به تقویت روابط تجاری با آن‌هاست.

بورگسدورف افزوده است: «متأسفانه جایگاهمان را در جهان از دست داده‌ایم. اگر اکنون با کشورهای جنوب جهان صحبت کنید، همان کشورهایی که خواهان روابط تجاری، منابع اقتصادی، مواد خام و انرژی با آن‌ها هستیم، درک می‌کنید که شکل‌گیری چنین شرکات‌هایی بسیار دشوار شده است».

او یکی از هماهنگ‌کنندگان نامه‌ای بود که در تاریخ ۱۰ جولای از سوی ۲۷ سفیر پیشین اتحادیه اروپا خطاب به سران دولت‌ها و نهادهای اروپایی ارسال شد. این نامه که سپس ۵۸ امضا گرفت، خواستار اقداماتی علیه اسرائیل به‌دلیل وضعیت جاری در غزه و کرانه باختری شد. فون بورگسدورف گفته است: «از سرعت عمل اروپا در واکنش به تهاجم غیرقانونی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ شگفت‌زده شدم. اما آنچه در قبال فلسطین انجام دادیم، واقعاً شرم‌آور بود. ما عملاً چشم‌ا‌نمان را بستیم».
مجموع این نشانه‌ها - از راهپیمایی‌های میلیونی و گهواره‌های نوزادان تا اعتراضات در مراسم‌های دانشگاهی - در کنار بایکوت هنرمندان و ورزشکاران از همکاری با نهادهای حامی اسرائیل، گواهی است بر تحولی آرام اما عمیق در لایه‌های زیرین جوامع غربی. تحولی که گرچه از سیاست‌های رسمی دولت‌ها فاصله دارد، اما ریشه‌دار و در حال گسترش است. شاید اسرائیل بتواند در میدان نبرد برای مدتی از تهدیدهای مستقیم بکاهد، اما در جبهه افکار عمومی، با چالشی مواجه است که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

به تهدیدهای ترامپ برای وضع تحریم‌های بیشتر علیه مسکو نمی‌دهد. مقامات اوکراینی هم با ابراز تردید، خاطرنشان می‌کنند اقدامات روسیه نشان‌دهنده یک جنگ طولانی مدت است. مذاکرات روز گذشته ویتکاف در چهارمین سفر او به مسکو به عنوان آزمونی حیاتی برای تمایل روسیه به مذاکره تلقی خواهد شد و ترامپ که پس از ماه‌ها تلاش نتوانسته به وعده انتخاباتی خود برای «پایان یک‌روزه» جنگ اوکراین عمل کند، اکنون با تغییر رویکرد در تلاش است با اعمال تحریم و فشار بر روسیه، درگیری اوکراین را که در آستانه چهارمین سال است مخنومه کند.



مرز، حاکمیت و منابع است. در عین حال، فناوری‌های نوین نظامی مانند تسلیحات مافوق صوت، جنگ سایبری و پهپادها، مرزهای سنتی جنگ و صلح را کم‌رنگ کرده‌اند و امکان درگیری در سطوح جدید و پیش‌بینی‌ناپذیر را افزایش داده‌اند.

■ **نظریه روابط بین‌الملل در بحران**

روابط بین‌الملل به‌عنوان یک رشته‌دانشگاهی، سال‌ها پیش فرض نظم‌پایدار، جهانی‌سازی و همکاری بین‌المللی به تحلیل وضعیت جهان پرداخت، اما اکنون با بازگشت منازعات کلاسیک، افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ و شکاف ایدئولوژیک، نیاز به بازنگری در نظریه‌های مسلط این رشته بیش از هر زمان احساس می‌شود.

نمی‌توان جهان جدید را تنها با مفاهیمی چون «دموکراسی علیه اقتدارگرایی» یا «شمال علیه جنوب» تحلیل کرد. مفاهیم جدیدی چون «حاکمیت فناوریانه»، «ژئواکونومی»، «امنیت انرژی» و «هم‌راستایی تاکتیکی بدون اتحاد سیاسی» باید وارد دستور کار تحلیلی ما شوند.

■ **جمع‌بندی: پایان پایان تاریخ**

اگرچه فوکویاما در دهه ۹۰ میلادی از پایان ایدئولوژی‌ها سخن گفت، اما جهان امروز شاهد بازگشت جدی رقابت‌های تاریخی، منطقه‌ای و تمدنی است. لیبرالیسم جهانی نه پایان تاریخ بود و نه آغاز صلح، بلکه فصلی گذرا از امیدوی واهی به همگرایی بود که اکنون جای خود را به دوران پیچیده، متنوع و ناپایدار جدیدی داده است.

برای درک آینده، باید از چارچوب‌های خطی عبور کنیم و جهان را همان‌گونه‌که هست، یعنی چندقطبی، پرمناقشه و فاقد اجماع بین‌بینیم و بفهمیم تاریخ نه‌تنام شده و نه تکرار می‌شود؛ بلکه در حال بازنویسی است.

دست باز می‌دهد تا امنیت، جغرافیا، سیاست و موجودیت آینده آن را دستکاری کند. بنابراین ما با این تصمیم طوری رفتار خواهیم کرد که گویی وجود ندارد. به مردم شریف خود می‌گوییم این فقط یک ابر تابستانی است و ان‌شاءالله خواهد گذشت. ما به صبر و پیروزی عادت کرده‌ایم.

یادداشت

فریاد غزه و خروج از ماریپج سکوت

مهدی ذراع، روزنامه‌نگار | آنچه این روزها از غزه به جهان منتقل می‌شود، بر خلاف آن چیزی است که در جریان اصلی رسانه (Mainstream Media) در جریان است. در طول قرن گذشته، تضاد میان روایت‌های رسانه‌های جریان اصلی و فضای اجتماعی (شامل جنبش‌های مردمی، نشریات مستقل و ارتباطات غیررسمی) در چندین مقطع تاریخی به‌وضوح مشاهده‌شده و هر مورد هم این ملت‌ها بوده‌اند که نبرد با صاحبان رسانه‌های اصلی را برده‌اند. به‌جز غزه، سه مورد از مهم‌ترین رخدادهای قرن گذشته را مرور کرده‌ایم.
جنگ ویتنام: جنگ ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۵۵) نتیجه مداخله ایالات متحده برای جلوگیری از گسترش کمونیسم در جنوب شرقی آسیا بود. پس از حادثه خلیج تونکین در سال ۱۹۶۴ که بهانه‌ای برای افزایش حضور نظامی آمریکا شد، دولت ایالات متحده حمایت گسترده‌ای از این جنگ را دنبال کرد. رسانه‌های جریان اصلی مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و شبکه‌های تلویزیونی بزرگ مانند سی‌بی‌اس و ان‌بی‌سی، در سال‌های اولیه، گزارش‌های خود را بر اساس اطلاعات رسمی پنتاگون و کاخ سفید تنظیم می‌کردند. این رسانه‌ها بر تهدید کمونیسم تمرکز داشتند و عملیات نظامی آمریکا را به‌عنوان تلاشی برای حفظ دموکراسی در ویتنام جنوبی توجیه می‌کردند. گزارش‌هایی درباره موفقیت‌های نظامی، مانند تعداد دشمنان کشته‌شده یا عملیات بمباران، اغلب بدون بررسی عمیق منتشر می‌شدند. با این حال، از اواخر دهه ۱۹۶۰، برخی روزنامه‌نگاران مانند والتر کروین کایت از سی‌بی‌اس رویکرد انتقادی‌تری اتخاذ کردند. گزارش او در سال ۱۹۶۸ که جنگ را این‌بست خواند، نقطه عطفی در پوشش رسانه‌ای بود. در مقابل، جنبش‌های ضدجنگ از اواسط دهه ۱۹۶۰ قدرت گرفتند. دانشجویان، روشنفکران و فعالان حقوق مدنی از طریق تظاهرات گسترده، مانند راهپیمایی واشنگتن در سال ۱۹۶۷ با حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر و نشریات زیرزمینی مانند The Village Voice یا جزوات دانشجویی، روایتی متفاوت ارائه‌دادند. افشاگری‌هایی مانند انتشار اسناد پنتاگون در سال ۱۹۷۱ توسط نیویورک تایمز و واشنگتن پست که نشان‌دهنده پنهان‌کاری دولت بود، به این جنبش قدرت بیشتری بخشید. تصاویر تکان‌دهنده‌ای مانند عکس «دختر ناپالم» (۱۹۷۲) توسط نیک‌ایوت که کودکی را در حال فرار از بمباران ناپالم نشان می‌داد، احساسات عمومی را برانگیخت و فشار اجتماعی را بر رسانه‌های جریان اصلی افزایش داد. این جنبش‌های اجتماعی به‌تدریج روایت رسمی را به چالش کشیدند و به خروج آمریکا از ویتنام در سال ۱۹۷۳ کمک کردند.

جنبش حقوق مدنی در آمریکا: جنبش حقوق مدنی در آمریکا برای پایان دادن به تبعیض نژادی و دستیابی به برابری برای آفریقایی‌تبارها شکل گرفت. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تبعیض نژادی در جنوب آمریکا قانونی بود و قوانین جیم کرو جداسازی نژادی را در اماکن عمومی تحمیل می‌کرد. رسانه‌های جریان اصلی، به‌ویژه در جنوب، اغلب از این نظام حمایت کرده یا به‌صورت محافظه‌کارانه از تغییر وضعیت موجود خودداری می‌کردند. روزنامه‌های محلی در ایالت‌های جنوبی، مانند آلاباما و حتی برخی رسانه‌های ملی، اعتراضات اولیه را به‌عنوان اقدامات تندرو یا غیرقانونی نشان می‌دادند. برای مثال، پوشش اولیه تظاهرات مونتهگمری (۱۹۵۵-۱۹۵۵) در بسیاری از رسانه‌ها منفی بود و معترضان را محفل نظم عمومی معرفی می‌کرد. با این حال، جنبش‌های مردمی از طریق راهپیمایی‌ها، تحریم‌ها و سخنرانی‌های رهبرانی مانند مارتن لوتر کینگ جونیور قدرت گرفتند. تحریم اتوبوس مونتهگمری که پس از دستگیری رزا پارکس در سال ۱۹۵۵ آغاز شد، نمونه‌ای از سازماندهی اجتماعی بود که از طریق کلیساها و ارتباطات محلی هماهنگ شد. سخنرانی «رؤیایی دارم» کینگ در راهپیمایی واشنگتن در سال ۱۹۶۳، با حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر، توجه جهانی را جلب کرد. نشریات کوچک، اعلامیه‌ها و گزارش‌های مستقل نیز نقش مهمی در انتشار پیام جنبش داشتند. تصاویر خشونت پلیس علیه معترضان، مانند حمله به راهپیمایان در سلما (۱۹۶۵) که در تلویزیون پخش شد، افکار عمومی را تغییر داد و رسانه‌های جریان اصلی را وادار کرد پوشش مثبت‌تری ارائه‌دهند. این فشار اجتماعی به تصویب قوانین کلیدی مانند قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ و قانون حق رأی ۱۹۶۵ منجر شد.

انقلاب اسلامی ایران: انقلاب ایران (۱۹۷۹-۱۹۷۸) به سرنگونی رژیم پهلوی و تأسیس جمهوری اسلامی منجر شد. در دهه ۱۹۷۰، رژیم پهلوی از حمایت کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، برخوردار بود. رسانه‌های غربی مانند تایم می‌بی‌سی، در ابتدا از رژیم حمایت کرده و انقلاب را ناآرامی‌دهی می‌گرفتند یا به‌عنوان حرکتی تندرو و غیرمنطقی نشان می‌دادند. در داخل ایران، رسانه‌های رسمی تحت کنترل دولت، مانند رادیو و تلویزیون ملی، روایتی مثبت از رژیم ارائه داده و اصلاحات محمدرضا شاه، مانند انقلاب سفید را تبلیغ می‌کردند. این رسانه‌ها اعتراضات مردمی را کم‌اهمیت جلوه‌ده‌ای به عوامل خارجی نسبت می‌دادند. در مقابل، فضای اجتماعی از طریق سخنرانی‌های مذهبی، نواهای کلاست حوی، پیام‌های امام خمینی (ره) و اعلامیه‌های مخفیانه سازماندهی می‌شد. مساجد و شبکه‌های مذهبی به‌عنوان مراکز هماهنگی عمل می‌کردند. تظاهرات گسترده، مانند اعتراضات محرم ۱۹۷۸ و اعتصابات سراسری، به‌ویژه در صنعت نفت، قدرت جنبش مردمی را نشان داد. تصاویر سرکوب معترضان توسط رژیم که به‌صورت غیررسمی منتشر می‌شد، خشم عمومی را برانگیخت. این جریان اجتماعی چنان ترس‌مند بود که رسانه‌های رسمی داخلی و خارجی را به حاشیه‌راند و در نهایت به پیروزی انقلاب در فوریه ۱۹۷۹ منجر شد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند هنگامی که رسانه‌های جریان اصلی تحت کنترل دولت‌ها یا منافع خاص قرار دارند، فضای اجتماعی می‌تواند از طریق کانال‌های غیررسمی روایت‌های جایگزین را تقویت کند. در عصر حاضر، رسانه‌های اجتماعی این روند را تسریع کرده‌اند و نمونه‌هایی مانند حمایت از فلسطین در فضای دیجیتال، شباهت‌هایی با این الگوهای تاریخی دارند. این تقابل نقش مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی و تحولات اجتماعی ایفا کرده است.